

روند فعلی و آتی مرگ و میر ناشی از گرما در مناطق مختلف جهان

بر اساس یک مطالعه تازه پیش‌بینی می‌شود که اگر انتشار گازهای گلخانه‌ای به همین شدت این سال‌ها ادامه یابد، تا پایان قرن سالانه حدوداً 123 نفر از هر صد هزار نفر در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه جان خود را در رابطه با گرمای شدید از دست خواهند داد. این حدوداً 60 برابر ارقام فعلی و خیلی بیش از پیش‌بینی‌ها بر اساس سناریوهای گرمایی مشابه RCP (Representative Concentration Pathways) در سایر مناطق جهان است. براساس این مطالعه که در نشریه «لنست؛ سلامت سیاره» (The Lancet Planetary Health) منتشر شده، در این میان ایران با آمار احتمالی 423 نفر در هر صد هزار نفر در صدر این فهرست قرار می‌گیرد. با این حال این گزارش که از جمله با کمک محققان در «دانشگاه بهداشت و پزشکی گرمسیری لندن» انجام شده بر این فرض است که اگر میزان گرمایش زمین در حد دو درجه بماند، امکان جلوگیری از 80 درصد آمار مرگ در اثر گرمای شدید وجود دارد. منظور از این رقم، افزایش دو درجه‌ای میانگین دمای زمین نسبت به شروع عصر صنعتی (آغاز سرمایه‌داری صنعتی) است. نویسندگان این گزارش می‌گویند «ما یک ارزیابی اثرات سلامتی را با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌های بر اساس چهار سناریو مسیر اجتماعی-اقتصادی مشترک انجام دادیم، ارزیابی‌ها بر اساس روابط ظاهری دما و مرگ و میر خاص برای هر زیرمنطقه آب و هوایی خاورمیانه و شمال آفریقا بر اساس طبقه بندی نوع آب و هوا، آستانه‌های منحصر به فرد برای هر سلول شبکه 50 کیلومتری در منطقه مشخص شد. مرگ و میر سالانه مربوط به گرما در دوره 2021-2100 برآورد شد. همچنین برآوردهایی با جمعیت ثابت ارائه شد تا سهم تغییرات جمعیتی پیش‌بینی‌شده در بار مرگ و میر حرارتی آینده را تعیین کند. متوسط نرخ سالانه مرگ و میر ناشی از گرما در تمام کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در حال حاضر 1.2 در هر 100000 نفر است.»

این در حالی است که دمای زمین از آن زمان شروع ثبت رکوردها 1.2 درجه افزایش یافته است (بر اساس تحلیل برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP)) در اکتبر 2021 جهان در مسیر افزایش 2.7 درجه ای دما قرار دارد. در حالی که همین تخمین نیز بسیار خوشبینانه است. گرمای زمین در مقطع کنفرانس گلاسکو 1.2 درجه از 1880 بیشتر بوده است). این یافته‌ها در حالی منتشر می‌شود که کنفرانس بعدی اقلیمی سازمان ملل، کاپ 28، در ماه نوامبر در دوی برگرار خواهد شد. شمال آفریقا و خاورمیانه یکی از آسیب پذیرترین مناطق جهان از تغییر اقلیم است به طوری که پژوهشگران هشدار می‌دهند افزایش دما تا پایان قرن بسیاری مناطق آن را غیرقابل سکونت خواهد کرد. نویسندگان این گزارش می‌گویند که هم اکنون نیازی بسیار فوری برای توافق جهانی بر سر سیاست‌های تخفیف و تطبیق با تغییر اقلیم وجود دارد تا از بدترین عوارض گرمایش جلوگیری شود. آنها هشدار می‌دهند که تکیه بر راه حل‌های سنتی مثل نصب کولر کافی نخواهد بود. این در حالی است که چهار سال پیش نیز ارگان‌های بین‌المللی سرمایه‌چنین هشدار می‌دادند :

سازمان ملل در گزارش خود در سپتامبر 2019 اجلاس «اقدام برای حفاظت از محیط زیست» در نیویورک اعلام کرد که حتی اگر همه کشورهایایی که توافق‌نامه پاریس را امضا کرده بودند، اهداف خود را برآورده کنند، کره زمین همچنان 2.9 تا 3.4 درجه سانتی‌گراد گرم تر می‌شود. در این گزارش گفته شده که برای رسیدن به هدف محدود کردن افزایش دما تا 2 درجه سانتی‌گراد باید تلاش‌های کنونی سه برابر شود!! یکی از عواقب جدی گرمایش زمین اگر نرخ کنونی انتشار گازهای گلخانه‌ای ادامه یابد، نوب 80 درصد یخچال‌های طبیعی و بالا رفتن سطح آب دریاها تا سال 2100 بین 60 تا 110 سانتیمتر است. گزارش نشست بین‌المللی در زمینه تغییرات آب و هوایی (Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)) در این سال می‌گوید زمین در سال کنونی تا سپتامبر گرمترین دوره در چهار سال گذشته بوده است و فراموش نکنیم که هر یک از این سال‌ها از نظر افزایش حرارت رکورد دار سال قبل بوده اند. پژوهشگران در گزارش سال قبل از این نیز تاکید کرده بودند که میزان تولید دی اکسید کربن باید تا سال 2030 حدود 45 درصد نسبت به میزان تولید شده در سال 2010 کاهش یابد!! این در حالی است که سالیانه بیش از 30 میلیارد تن گاز کربنیک به مقدار آن در جو زمین افزوده می‌گردد. علت آن عطش سیری ناپذیر سرمایه به سود و انباشت سرمایه است. تمامی دغدغه و نگرانی سرمایه یافتن راه‌های حصول به این مقصود است و در این مسیر آن چه که کمترین نگرانی را برای آن ایجاد می‌کند عوارض تخریبی است. کاهش هزینه تولید کالا چه از طریق کاهش سرمایه متغیر (نیروی کار) و یا بخش‌گردشی سرمایه ثابت و در این مورد مشخص هزینه مواد اولیه و کمکی راه‌های بالابردن میزان سود سرمایه است. تا زمانی که تولید انرژی و عرضه آن بعنوان کالای سرمایه‌ای قابل رقابت به اندازه کافی ارزان است و منابع آن قابل دسترس و اطمینان‌اند تولید نفت و گاز نه تنها مقرون به صرفه است بلکه بسان شریانی جاری بازارهای سرمایه جهان را آرام می‌کند. این را ما بخوبی بعد حمله روسیه به اوکراین شاهد هستیم که چگونه تمامی جهان سرمایه با عطش سیری ناپذیری رو به سوی تولید و مصرف سرمایه‌ای بدترین نوع سوخت‌های فسیلی می‌روند. پرده کشیدن بر روی ابعاد فلاکت طبقه کارگر و همه آنچه سرمایه بر سر توده‌های کارگر دنیا می‌آورد، کار روتین طبقه سرمایه‌دار و دولت‌های همه کشورها و وجه مشترک بورژوازی جهانی است. سرمایه‌داران همه جهان همراه با دولت‌ها و سازمان‌های محیط‌زیستی با ذکر رشد قارچی آنها، با عوام فریبی در همین گزارش‌ها وانمود می‌کنند که چگونه همه ابعاد فجایع را بررسی می‌کنند تا به کارگران پیام دهند که همه چیز تحت کنترل است. حال آن که آنچه حیاتی است و آن چه کاملاً تحت کنترل می‌باشد این است که سرمایه‌ها هر چه پر خروش‌تر افزایش یابند و سودها هر چه کهکشانی‌تر گردند. اگر چنین شود که تاریخ سرمایه‌داری چنین بوده و همچنان هست، چه غم اگر میلیون‌ها کارگران دنیا و زن و بچه‌های آنان به

شکل های مختلف از جمله کومه های آن ها در سواحل دریاها آماج توفان ها و افزایش و بالا رفتن سطح آب دریاها شوند و قربانی سرمایه گردند (طبق گزارش سال 2019 بیش از 690 میلیون نفر که در سواحل پائین دریاها زندگی می کنند در معرض مخاطرات افزایش سطح آب ها قرار دارند). تمامی تلاش دولت های سرمایه داری در کنفرانس های سالیانه آب و هوایی این است که بر روی سایر فجایع محیط زیستی پرده استتار کشند و وانمود کنند که تنها مشکل افزایش گرمایش زمین است حال آن که سرمایه داری ریشه اصلی فروپاشی تمامیت محیط زیست انسان و طبیعت است.

شاکور حاجت، نویسنده اصلی مقاله مورد بررسی و استاد «بهداشت محیطی» در دانشگاه بهداشت و پزشکی گرمسیری لندن گفت: «بر اساس مطالعه ما گرمایش زمین باید در حد دو درجه سانتیگراد مهار شود تا بتوانیم از آثار فاجعه بار آن برای سلامتی بشر پرهیز کنیم. حتی با اقدامات شدیدتر، کشورهای منطقه باید راههایی غیر از نصب کولر، دسترسی به سیستم در مانی و بهداشتی در صورت نیاز بیشتر برای حفاظت از شهروندان خود در برابر گرمای شدید پیدا کنند.» «تقویت سیستم های بهداشتی و هماهنگی بهتر میان کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه در رسیدگی به عوارض بهداشتی تغییر اقلیم نقش کلیدی خواهد داشت». نویسنده اصلی این مقاله فراموش کرده که سیستم بهداشتی همه کشور ها امتحان فاجعه باری در رابطه با بروز و ترک تازی کووید-19 داد و در طول سه سال اخیر نشان داد که از کشورهای آفریقایی تا تمامی اروپا و امریکای شمالی و جنوبی در مانده از ارائه خدمات روتین بهداشتی و درمانی بوده چه رسد به این که مدعی جلوگیری از مرگ و میر ناشی از ابتلاء به کرونا، باشد. کافی است نظری به تاریخچه چند سال اخیر این حوزه سرمایه اندازیم تا ببینیم چه بر سر توده کارگر جهانی آمده است. نظام سرمایه داری 15 سال پیش بحران انفجار آمیز جهانی خود را ساز و کاری برای سلاخی بیش از پیش خورد و خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و درمان، آموزش یا امکانات اولیه معیشتی توده های کارگر تبدیل کرد. به همه برنامه ریزیهای ممکن دست زد تا شاید دور تازه ای از رونق، برای بخشی از سرمایه جهانی پدید آید. این تقلا زیر فشار تناقضات ذاتی سرمایه و سرکشی سونامی وار آن ناکام ماند. تعداد تخت های بیمارستانی برای هر هزار نفر در طول هر بحران (1990، 2000 و 2008) و پس از آن کاهش یافت. نمونه آن تعداد تخت های بیمارستانی ایتالیا، اسپانیا و کل کشورهای جامعه مشترک اروپا در طول سی سال و بخصوص پس از بحران 2008 است. در حاکمیت چهل و چند ساله جمهوری اسلامی سرمایه در ایران و وضعیت از این هم بد تر و برای توده های کارگر اسفبار تر است. لذا معلوم نیست سرمایه داری تا آن روز (سناریوهای تا سال 2040، 2060 و 2100 که در این گزارش مورد نقد) انسانی را از زیر شمشیر گرسنگی و فقر و بی درمانی و بیماری ها و جنگ ها زنده مانده گذاشته باشد که با آلودگی های زیست محیطی درو کند یا نه!! نکته قابل توجه در همه گزارشات انیستیتیو های سرمایه داری این است که آن ها سعی می کنند تمامی توجه توده ها را معطوف به قابلیت های سرمایه داری در رفع تمامی فجایع محیط زیستی ساخته و پرداخته همین نظام نمایند. در همین رابطه گاهی از لابلای گزارشات چنین نکاتی به بیرون تراوش می کند :

یک پژوهش منتشر شده در آوریل 2023 نشان می دهد که اهداف بلندپروازانه برای توقف روند انقراض گونه ها و کاهش تنوع زیستی احتمالا دیگر خارج از دسترس باشد. پژوهشگران در «رویال سوسائتی جورنال» می گویند که اثرات مخرب تغییرات اقلیمی و نابودی زیستگاهها بر جمعیت حیوانات دست کم گرفته شده است. آنها می گویند که بازگرداندن حیات وحش احتمالا بیشتر از حدی که پیش بینی می شد، طول بکشد و هم اکنون رسیدن به اهداف حفظ تنوع زیستی جهانی دور از دسترس است. در دسامبر گذشته، حدود 200 کشور توافق کردند که روند انقراض گونه ها و کاهش تنوع زیستی را تا پایان این دهه متوقف کنند. آنها اهداف بلندپروازانه ای را برای توقف نابودی تنوع زیستی و حفاظت از 30 درصد از زمین ها و دریاها تا سال 2030 تعیین کردند. دکتر رابین فریمن از موسسه جانورشناسی در لندن گفته است: «آنچه که این تحلیل نشان می دهد این است که رسیدن به اهداف حتی سخت تر از آن چیزی است که ما فکر می کنیم.» سرمایه داران و دولت ها بر طبل اهداف بلند پروازانه خود می کوبند اما نیاز های چرخه سود افزایی و انباشت سرمایه فرا تر، بسیار زمینی تر و عملی تر از این اهداف در پستوهای تو درتوی انیستیتیو های سرمایه حکمفرمایی می کند. من در انتهای این نوشته به نقد پژوهشگران «رویال سوسائتی جورنال» لندن می پردازم اما عجلتا گزارش های اقلیمی را ادامه می دهم.

«با نزدیک شدن کاپ 28، باید درباره چگونگی راه های بهتر همکاری میان کشورهای منطقه برای تقویت استقامت در برابر تغییر اقلیم بحث کنیم.» سال گذشته هم مطالعه ای توسط بخش مطالعات شیمی موسسه «ماکس پلانک» آلمان می گفت منطقه خاورمیانه و شرق مدیترانه به یک نقطه حاد از نظر تغییر اقلیم بدل شده است به طوری که میزان رشد دمای میانگین آن در سال های اخیر تقریبا دو برابر میانگین جهانی است. بر اساس آن مطالعه کشورهای این منطقه که جمعیت آن بیش از 400 میلیون نفر است از سال 1981 به بعد هر دهه 0.45 درجه سانتیگراد گرمتر شده اند. میانگین رشد دما در این مدت در جهان در هر دهه 0.27 درجه بوده است. یوس لیلولد، مدیر بخش شیمی اتمسفر در این موسسه و سرپرست مطالعه، گفت: «بیک منطقه گرم و خشک حالا داغ تر و خشک تر می شود و این پیامدهای بزرگی خواهد داشت.» نتایج آن مطالعه در نشریه «مرور مطالعات ژئوفیزیکی» منتشر شده بود. این منطقه شامل بحرین، قبرس، مصر، یونان، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، عمان، منطقه خودگردان فلسطینی، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه و امارات متحده عربی می شود. در ماه ژوئن که آن مطالعه منتشر شد کویت، عراق و ایران دمای بالاتر از 49 درجه سانتیگراد را ثبت کردند. دمای کویت در سپتامبر 2020 به 53 درجه سانتیگراد رسید.

بررسی «آب و هوایی خاورمیانه و شمال آفریقا و تاثیر آن بر روند مرگ و میر ناشی از تغییرات آب و هوایی» و گزارش اخیر بنیاد آکسفام مبنی بر «بحران محیط زیستی نابرابری را تشدید می کند» که در تحقیقات سازمان امدادرسان آکسفام که تحت عنوان

"گرسنگی در جهان و گرمایش" انجام گرفته، آمده است 18 میلیون نفر از ساکنان مناطق گرمسیر جهان حتی در معرض خطر مرگ ناشی از گرسنگی هستند. «هفت نقطه از کانون‌های بحران آب و هوایی که توسط آکسفام شناسایی شده، در آفریقا واقع شده است. مقصران اصلی بحران محیط زیستی کشورهای صنعتی و ثروتمند هستند (کشورهای گروه 20 که 80 درصد از اقتصاد دنیا را در اختیار دارند مقصر اصلی اند).» چنین گزارشاتی هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و آن این که نشان دهند کدام منطقه کل جهنم سرمایه داری از همه جا سوزانده تر است!! موسسات پژوهشی سرمایه داری که اغلب در این گروه 20 جای دارند به توده های کارگر مناطق خود پیام می دهند که هر آن چه بد بختی، مرگ از گرما، سیل خانمان بر انداز، گرسنگی و فقر است خاص جهان جنوب (تقسیم بندی چند دهه پیش جهنم سرمایه داری به کشور های شمال و جنوب) است و شما توده های کارگر 20 کشور مطمئن باشید همه چیز در کنترل مدیران با درایت سرمایه این خطه است!! برای روشن شدن کل حقیقت تغییرات محیط زیستی و نتیجه افزایش گرمایش زمین بر سلامت انسان ها و بخصوص توده های کارگر به گزارش اخیر (ماه آپریل 2023) موسسه آب و هوایی اروپا (کوپرنیک) می پردازیم :

سال گذشته، سال 5 رکورد آب و هوا در اروپا بود. تابستان با دمای بالای 45 درجه یک رکورد گرم بود. مرگ بین 15 تا 20 هزار نفر، خشکسالی و آتش سوزی نتیجه آن بود. این در گزارش سالانه 2022 از برنامه انیستیتو نظارت بر محیط زیست اتحادیه اروپا (کوپرنیک) نشان داده شده است. پژوهشگران این موسسه بر این باورند که گرمای شدید در جنوب اروپا بدتر خواهد شد و در حال حاضر نسبت به خشکسالی تابستان امسال هشدار می دهند.

در سپتامبر سال پیش خیر گزاری فرانسه از جانب مقامات دولت آلمان گزارش داد در نتیجه عدم بارش باران کافی دومین دریاچه داخلی آلمان به لحاظ مساحت و سومین دریاچه این کشور به لحاظ مقدار ذخیره آب خشک شده است. دریاچه ادرزه در ایالت مرکزی هسن آلمان واقع شده و کرانه های آن تاکنون یکی از پرطرفدارترین استراحتگاه های تابستانی آلمانی ها بوده است. ادرزه با نزدیک به 12 کیلومتر مربع وسعت، دومین دریاچه بزرگ آلمان است. اما خشکی آلمان به دریاچه ادرزه در این ایالت محدود نمی شود و سطح آب بسیاری دیگر از دریاچه ها و رودخانه های آلمان را نیز کاهش داده است. این خشکسالی در کشورهای دیگر اروپای مرکزی از جمله فرانسه هم مشاهده می شود. بیش از 200 رودخانه بزرگ و کوچک در آلمان یک شبکه بزرگ و به هم پیوسته را برای حمل و نقل کالا، به ویژه معادن و صنایع فلزی تشکیل می دهند و بیشتر کارخانه های آلمان طوری ساخته شده اند که بتوانند از این شبکه بزرگ استفاده کنند. اکنون، با کاهش سطح آب، استفاده از این شبکه برای خطوط کشتیرانی بسیار دشوار و در برخی رودخانه ها غیرممکن شده است. اکنون، علاوه بر رودخانه ها و دریاچه ها، جنگل ها، فضای سبز شهرها و چمنزارهای سراسر آلمان به خاطر کاهش باران به زردی گرائیده اند و طبیعت آلمان می رود تا چهره ای پائیزی به خود بگیرد. جنگ آب در سرزمین پرآب؟ هفته نامه فوکوس در آخرین شماره خود زیر عنوان "جنگ آب در آلمان هم آغاز شده است" می نویسد: "سطح آب دریاچه های پشت سد ها پائین می روند، سطح آب های زیرزمینی بالا می آیند، برداشت محصول منتهی می شود. کمبود آب، از سوی دیگر سبب خشکی جنگل ها شده و آتش سوزی های پیاپی آن ها را تهدید می کند. فوکوس می نویسد که در نزدیکی شهر دارمشتات در ایالت هسن 13 هزار هکتار جنگل با مرگ دست و پنجه نرم می کند. بنا به این گزارش چهاردرصد درختان جنگل های ایالت هسن تاکنون از بین رفته اند. بر پایه تحقیقات دانشگاه گوتینگن، این جنگل ها "نقطه بحرانی جنگلیانی اروپای مرکزی" محسوب می شوند. دعوا بر سر سهم آب: منابع آلمانی از سال ها پیش هشدار داده اند که دیگر منابع آب به نیازهای همه پاسخ نمی دهد و به این دلیل، همواره شکایت های بیشتری بر سر تقسیم آب تسلیم دادگاه ها می شود. دو ماه قبل از این گزارش ها از آلمان سایر کشورهای اروپا از گرمای شدید در بیشتر اروپا به شکسته شدن رکوردهای دما در ماه ژوئن از مدار شمالگان تا شمال آفریقا خبر می دادند. این گرمای طاقت فرسا باعث شده است دما در بسیاری کشورهای خیلی بالاتر از میانگین ماه ژوئن باشد، که در برخی موارد این اختلاف 20 درجه سانتیگراد است. بعنوان مثال در باناک نوژ رکورد 32.5 درجه سانتیگراد ثبت شد که گفته می شود بالاترین دمای ثبت شده در مدار قطب شمال در اروپاست و به طور قابل توجهی بالاتر از میانگین 13 درجه ای ماه ژوئن است.

بریتانیا در جولای سال گذشته برای اولین بار گرمای تابستانی بیش از 40 درجه را ثبت کرد. این تنها یکی از موج های گرمای زیاد و مداوم در سراسر اروپای غربی و جنوبی در تابستان گذشته بود که بالاترین دما در پرتغال با 47 درجه اندازه گیری شد. این بدان معناست که تعداد روزهایی که در جنوب اروپا به عنوان گرمای ناخوشایند تجربه شده است، طبق گفته کوپرنیک یک رکورد بود (روزهایی با "تنش گرمایی شدید" که در آن احساس می شود بیش از 38 درجه است). بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، حداقل 15000 نفر به دلیل گرما در اروپا جان خود را از دست دادند. این روند ادامه خواهد یافت و روزهای گرم و ناخوشایند بیشتری پیش روست. کارلو بوونتمپو، مدیر تغییرات آب و هوای کوپرنیک، می گوید: این گزارش تغییرات هشدار دهنده در آب و هوای ما، از جمله گرم ترین تابستان ثبت شده در اروپا را برجسته می کند. هم اکنون در اسپانیا و ایتالیا که مقداری برف باریده است، هوا خشک است. بسیاری از تکرار خشکسالی سال گذشته بیم دارند که کشاورزی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. وضعیت جدی است، ذخایر، به عنوان مثال، در اسپانیا دوباره پر نشده است. پوشش برف در آلپ ضعیف بوده است. سامانتا بورگس، معاون مدیر کوپرنیک می گوید، اگر در بهار امسال بارش زیاد نباشد، این خطر وجود دارد که شرایط مشابه یا بدتر از سال گذشته وجود داشته باشد. بالاترین دمای ثبت شده اروپا در تمام دوران در سیسیل در سال 2021 (48.8 درجه) ثبت شد. اما با افزایش میانگین

دما، ممکن است بر اساس گفته های کوپرنیک از 50 درجه عبور کند. سامانتا برگس می گوید: نمی توانیم بگوئیم که در سال 2023 گرمای بی سابقه ای خواهیم داشت، اما با غلظت های بالاتر گاز های گلخانه ای، سال های گرم تری محتمل است. به گزارش گاردین، پژوهشگران یک صخره مرجانی جدید را در عمق چند صد متری در بخشی از یک ذخیره گاه دریایی که قبلاً کشف نشده بود در جزایر گالاپاگوس کشف کردند. این کشف خوشحال کننده توصیف می شود. میشل تیلور، زیست شناس دریایی می گوید: آنها دست نخورده و سرشار از زندگی هستند. گالاپاگوس متعلق به اکوادور است که بر آورد می شود 60000 کیلومتر مربع مساحت دارد.

اگر برای پژوهشگران این منبع سرشار از زندگی دور نمای امیدی از بقای زندگی گیاهان و جانوران دریایی است، برای سرمایه داران در حوزه های تولید دارو، اکتشاف و استخراج مواد کانی و صنایع گردشگری بهشت جدیدی است که هر چه زودتر باید به تسخیر حوزه های پیش ریز سرمایه در آید. زیرا توسعه سرمایه داری مقدم بر هر چیز توسعه پیش ریز سرمایه یا سیر تصاعدی سرمایه الحاقی سالانه ای است که انباشت می شود. هر مقدار تولید و تحقق ارزش جدید نیازمند عبور سرمایه از فرایند سامان پذیری است. هدف تولید سرمایه داری سوای سود هیچ چیز دیگر نیست و در راستای حصول سودهای هر چه طلائی تر است که طبیعت را به نابودی میکشاند، رابطه بشر با طبیعت را تضاد آمیز و تخریب زا می نماید، حتی چگونگی رتق و فتق این تضاد را به ملزومات سودافزائی حداکثر سرمایه پیوند می زند و بالاخره یافتن ساز و کارهای این سودآوری بدون هیچ مرز را محتوای فکر و منطق شناخت و شالوده شعور آدمها می سازد. افراد، سازمان ها و احزاب رنگارنگ بورژوازی با همین شعور و اندیشه، با رویکرد قربانی ساختن همه چیز برای سودآوری هر چه انبوه تر سرمایه سراغ رابطه بشر با طبیعت میروند و گفتگوی حل تضاد میان این دو را پیش می کشند (همانگونه که پژوهشگران «رویال سوسایتی جورنال» حیرت خود را از عدم موفقیت آمال و امیال خود پنهان نمی کنند). رسم آنهاست که با تحریف واقعیت ها، افکار عمومی توده های کارگر و ستمکش را مهندسی کنند. به آنها القاء نمایند که نسخه علاج همه دردها را در شیارهای مغز خود دارند و قادرند تمامی بلیه های زیست محیطی مخلوق سوداندوزی های سرمایه را از سر بشر رفع کنند. این جماعت چنین می نماید تا روابط تولید سرمایه داری را از تیررس اعتراض و پیکار کارگران دنیا دور نگه دارند. در این میان کارگران آگاه، کارگرانی که فکر و شعورشان را از فشار آسیب این تحریف سازی ها رها نموده اند، خوب می دانند که هر چه ویرانی و آلودگی و نابودی طبیعت است با دست سرمایه انجام می گیرد. آنها این را عمیقاً و از مدت ها پیش می فهمند که برای رهاسازی طبیعت از این مخاطرات، برای اینکه طبیعت به درستی در خدمت رفع نیازهای واقعی زندگی انسانی و حفظ بقای طبیعت قرار گیرد، باید حتماً با سرمایه جنگید، باید راه حل های دروغین سرمایه مدار را دور انداخت، باید موضوع را در سطح جهانی دید و به راهبردهای انترناسیونالیستی دست یازید. آنچه بشر امروز بیش از هر زمان دیگری احتیاج دارد تغییر بنیادی وضعیت موجود و نه تفسیر رخ دادهاست. کارگران آگاه بسیار خوب می دانند که با تغییرات کوچک و رفرم های اینجا و آنجا نه سرمایه داری سقوط میکند و نه طبیعتاً هیچ بهبودی در وضعیت محیط زیست پدید می آید، نه حتی شتاب وحشت انگیز توسعه آلودگی ها کندتر خواهد شد. ما نمی توانیم فقط برای کاهش بدبختی ها نبرد کنیم، به این دلیل روشن که وقتی نظام بانی و باعث بدبختی ها باقی است، هیچ خبری حتی از کاهش فشار نکبت ها در میان نخواهد بود. ما علیه نظامی می جنگیم که سرچشمه همه بدبختی ها از جمله تخریب محیط زیست و کار است. بنابراین هر چند نبرد بر سر جزء جزء مسائل زندگی ما منجر به نابودی این نظام نخواهد شد اما ما جزء، جزء این نبرد را حلقه های پیوسته جنگی عظیم و سراسری برای نابودی سرمایه داری و استقرار جامعه کمونیستی خواهیم کرد. ما می دانیم که این سیستم و روابط تولید به بالاترین فاز انحطاط تاریخی خود رسیده است و هر کوششی برای دستکاری آن صرفاً نقش بر هم زدن لجنزار و سرکشی مرگبارتر عفونت ها را دارد. بنابر این لازم است که طومار تلاش های رفرم جویانه افراد و احزاب را که فقط ماندگاری این نظام را دنبال می کنند برای همیشه در هم پیچیم. وقت آن است که توده های کارگر سرنوشت کار و تولید و زندگی اجتماعی خود را به دست گیرند. این تنها راه رهائی انسان است. راه حصول این هدف نیز بسیار روشن است. باید دست به کار شد. باید شورائی و ضد سرمایه داری متشکل گردید، شناخت هر چه ژرف تر و مارکسی تر روابط سرمایه داری را شعور خود نمود. باید این شعور را سلاح جنگ ساخت. با این سلاح و با قدرت شورائی آگاه کمونیستی در تمامی حوزه های زندگی اجتماعی از جمله حوزه محیط زیست با سرمایه جنگ کرد. اگر جنبش کارگری از جای نجنبید و در بر همین پاشنه چرخد بالاخره این نظام خیلی زودتر از تلاشهای رفرم جویانه با تمامی اهرم های قتل عام خود از جمله مسائل زیست محیطی چیزی از بشر باقی نخواهد گذاشت.